

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary - Cultural

ادبی - فرهنگی

جیلانی لیبیب  
۲۷ اکتوبر ۲۰۱۳

## یادبودی از «مارسل رایش رانیسکی»



اینک مارسل رایش رانیسکی دیگر در میان ما نیست.

آری او چشم ازین جهان پوشیده است. دیگر مارسل رایش که بی محابا و رک و راست دلایلش را جهت پسند یا نکوهش کتابی با دیگران تقسیم می نمود، دیده ازین گیتی فرو بسته است.

دیگر رانیسکی که وزنه سخنش می توانست اثرنویسنده ای را در ترازوی سنجش یابی بخش فرهنگی فرانکفورتر الگیماینه Frankfurter Allgemeine ، روزانه ای که بیش از دو دهه مسؤول بخش فرهنگی اش بود ، ارزشی قایل بشود، نقدی نخواهد نگاشت.

دیگر مارسل رایش رانیسکی که تپش قلبش، سرشاری روح و روانش ، زندگی او و دار و ندار وی همه و همه تا نفس واپسین وقف و نثار محبت و عشق به ادبیات جهان و زبان المانی گردیده بود ، کتاب های سره را از ناپسند با شور و

هیجانی عاشقانه درآثاری همچون نکوهش های محض Lauter Verrisse ، تقریظ های محض Lauter Lobreden ، Die Anwälte der Literatur [پیشگامان] ادبیات، تنها بیماران شدید Lauter schwierige Patienten و پاسخ Entgegnung جدا نمی نماید . اینک دیگر پیشوای نقد ادبی در حوزه فرهنگی زبان و ادبیات المانی در میان ما نیست. او جهان فانی را وداع گفته است.

آری، رانیسکی که با برنامه های تلویزیونی همانند قهوه سرای ادبیات Das Literarische Kaffeehaus ، دمی با رایش رانیسکی Reich- Ranicki Solo و ادبیات در حلقه چهار Das literarische Quartett نقد ادبی را میان

جامعه برد، مردم پسند گردانید و بدین وسیله بر گروه کتاب خوان بینندگان تأثیر پذیر شد، ازین دیار رخت بریسته است.

او بود که بدون هر نوع کسب مقامی علمی، به دریافت درجه دکترای افتخاری از دانشگاه های معتبر کشور های المان، هالند و اسرائیل به شمول یونیورسیتی اوپسالا Uppsala در سویدن نایل گشت، در دانشکده های نامدار ایالات متحده امریکا، سویدن و المان به عنوان پروفیسور درس می داد و اکادمی تفویض جایزه نوبل ادبیات با وی مشوره می کرد. او بود که جسورانه همه نویسندگانی را همچون کریستا ولف Christa Wolf که در برابر رژیم های خفقان و سانسور سکوت را برگزیده بودند، به باد انتقاد گرفت و به گونه خدمتگذار و همکار غیر مستقیم چنین دولت ها تلقی نمود.

او بود که یکبار بانگاشتن نقد ادبی برای رومان Ein weites Feld عرصه فراخ اثر گونتر گراس Günter Grass ، جهان نقد ادبی حوزه فرهنگی زبان المانی و فراسویش را مدت ها مورد مناقشه قرار داد و برای سالیان درازی رابطه خود را با گونترگراس و شماری از دوستدارانش تیره و تار ساخت و باز هم بود که این نویسنده را برای رومان طبل حلبی وی به کمیته تفویض جایزه نوبل ادبیات موفقانه پیشنهاد نمود .

مارسل رایش به تاریخ دوم ماه جون ۱۹۲۰ میلادی از مادری المانی تبار و پدری یهودی در شهر وولوسلاویک Włocławek کشور پولند چشم به دنیا گشود، در برلین به مدرسه رفت، با خانواده اش توسط رژیم نازی المان به پولند و به حصار وارشو نقل مسکن گردید، پس از جنگ دوم جهانی برای مدتی به عضویت حزب کمونیست پولند در آمد، برای این که نام پدری وی رایش Reich تداعی کننده المان ها نشود، زیر نام مارسل رانیسکی Marceli Ranicki معاون قنصل این کشور در بریتانیا شد، سپس از گذشته اش برید، به المان مهاجرت کرد و به عنوان منتقد ادبی روزنامه فرانکفورتر الگیماینه تا پایان حیات کاری خود اجرای وظیفه نمود. مارسل رایش رانیسکی به تاریخ هیژدهم سپتمبر سال ۲۰۱۳ میلادی به عمر ۹۳ سالگی زندگی را بدرود گفت ، علت مرگش را در یکی از خانه های سالمندان شهر فرانکفورت ، بیماری سرطانی که وی مدتی پیش به آن مبتلا گشته بود، اعلام داشتند.

مارسل رایش رانیسکی به تاریخ بیست و هفتم جنوری ۲۰۱۲ میلادی طی ایراد بیانیه معروفش با عنوان “یک روز از زندگی من” به مناسبت روز یاد بود قربانیان نازی ها، در پارلمان المان چنین گفت:

در سال ۱۹۳۸ میلادی از برلین به وارشو نقل مکان گردیدم. در بهار ۱۹۴۲ میلادی به عنوان بهترین نامه نگار و برگردان توسط هوفله Höfle مسؤل عملیات راه حل نهائی جهت نابودی یهودیان، جهت نگاشتن صورت جلسه ها برگزیده شدم.

در صورت جلسه تاریخ ۲۲ جولای ۱۹۴۲ میلادی چنین نگاشتم:

“همه یهودیان بدون در نظر داشت جنسیت و عمر به شرق نقل مسکن می گردند” و هر کسی که سر از این فرمان باز زند “تیرباران می شود”

درین دستور آمده بود که افراد مشخصی از یهودیان به شمول زنان و کودکان خویش ازین قاعده استثنایند و من بایستی با توسیا Tosia در همان روز پیوند زناشویی را می بستم تا از مرگی که خودم فرمانش را به زبان المانی از صورت مجلس با دستم نوشته و به زبان پولندی برگردانیده بودم نجات بدهم، زیرا یک روز بعد شش هزار یهودی “نقل مسکن گردیدند”.

شمار نقل مسکن شدگان حصار وارشو ، روزانه به شش تا هفت هزار تن می رسید. انتقال مسکنی که پیش از ظهر روز ۲۲ جولای ۱۹۴۲ از وارشو به سوی کوره های آدمسوزی تربیلینکا Treblinka آغاز شد تا وسط ماه سپتمبر همچنان ادامه یافت. آنچه تغییر محل اقامت نامیده می شد، چیز دیگری نبود سواى ترك مسكن: هجرت از وارشو .

این عمل تنها يك هدف را به دنبال داشت و يك مقصود را پی می گرفت: مرگ را می آفرید.

برای نگاشتن مطلب به ویژه ازین هفت اثر بهره برده ام:

Marcel Reich-Ranicki, Die Anwälte der Literatur, DVA, München 1994

Marcel Reich-Ranicki, Der doppelte Boden, Ein Gespräch mit Peter von Matt, Ammann, Zürich 1992

Marcel Reich-Ranicki, Entgegnung, Zur deutschen Literatur der siebziger Jahre, DVA, München 1981

Marcel Reich-Ranicki, Lauter Lobreden, DVA 1985

Marcel Reich-Ranicki, Lauter Verrisse, Piper, München 1970

Marcel Reich-Ranicki, Lauter schwierige Patienten, Gespräche mit Peter Voß über Schriftsteller des 20. Jahrhunderts, List Verlag, München 2003.

– ۲۰۱۲ Marcel Reich-Ranicki, Rede zum Tag des Gedenkens an die Opfer des Nationalsozialismus, FAZ

پایان